**درس هفتم**

**علت های چهارگانه ( فلسفه ارسطویی)**

**چند نکته در مورد ارسطو:**

* ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد در مقدونیه به دنیا آمد. بیست سال شاگرد افلاطون بوده است .
* ارسطو گر چه از نظر اوج اندیشه های فلسفی ، همپایه افلاطون نباشد ، اما او سهم بیشتری در شکل گیری اندیشه بشر داشته است.
* **او به عنوان معلم اول تا قرن های متمادی مرجع نهایی مسایل علمی و فلسفی بود**.
* **روش فلسفی او به مشاء معروف شد.**
* فیلسوفانی چون کِندی، فارابی و ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد ، این رشد اندلسی در عالم اسلام و توماس آکویناس در جهان مسیحیت همگی مشایی بوده اند .
* ارسطو یک فیلسوف واقع بین است و اولین چیزی که ذهن او را به خود مشغول نموده است ، دگرگونی و تغییرات در عالم طبیعت است . به اعتقاد او طبیعت در تمام ابعاد خودش همیشه در حال تغییر و شدن است .
* او به عنوان یک فیلسوف طبیعت شناس در صدر است تا حرکات طبیعی را توجیه عقلانی کند .و کلی ترین عواملی که در هر تغییر و حرکت مؤثر است را شناسایی کند.

**علت های چهارگانه (علل اربعه )**

* ارسطو معتقد است برای پیدایش یک موجود و یا یک تغییر و تحول در طبیعت چهار علت لازم است :

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **1- علت فاعلی** | **2- علت مادی** | **3- علت صوری** | **4- علت غایی** |

1. علت فاعلی : عاملی که با عمل خود چیزی را بوجود می آورد یا تغییر و تحولی را ایجاد می کند. مانند نقاشی که یک اثر هنری را خلق می کند یا هر سازنده ای محصولی را تولید می کند.
2. علت مادی: چیزی که جنس موجود را تشکیل می دهد؛ مانند خاک برای کوزه . ماده تشکیل دهنده هر موجودی را علت مادی آن موجود می نامند.
3. علت صوری : شکل ظاهری یا صورتی که یک موجود به خود می گیرد ( نقشه و صورت ظاهری موجود) که از نوع و ماهیت آن پدیده حکایت دارد.
4. **علت غایی** : هدف اصلی که هر موجودی برای آن هدف بوجود می آید و یا تغییر و تحول برای آن هدف ایجاد می شود( در حقیقت کار برای آن انجام می شود)

**از دیدگاه ارسطو ، علت صوری مانند علت های درونی یک پدیده هستند. و علت فاعلی و غایی ، علت های بیرونی یک پدیده به حساب می آیند**

**توضیح پیرامون علل اربعه**

1- علت فاعلی

* + - **در مصنوعات بشری** علت فاعلی در ساخت مصنوعات بشری ، انسان است و علت فاعلی یک عامل خارجی است که در حرکت و تغییر اشیاء مؤثر است.
    - **در حوادث و تغییر و تحولات طبیعی**
* ارسطو علت فاعلی حرکت و تغییرات را در طبیعت به یک عامل درونی نسبت می دهد و آنرا از درون شی تفسیر می کند.
* شیخ الرئیس ابوعلی سینا بعضی از حرکات و تغییرات را در اجسام به علت فاعلی بیرونی و در بعضی تغییرات علت فاعلی را به عامل درونی جسم نسبت می دهد .
* **ارسطو پیروانش یک نوع علت فاعلی درونی به علت مبداء حرکت و سکون در خود اشیاء در نظر می گیرند و آنرا طبیعت جسم می نامند.**
* مانند علت بالا رفتن شعله ها و یا رشد یک درخت و دیگر حوادث طبیعی دیگر.

2- علت مادی

- علت مادی در نظر ارسطو مرحله استعداد در یک چیز است که تدریجاً بر اثر دخالت یک علت فاعلی خارجی یا اثر طبیعت درونی خود به مرحلة فعلیت می رسد.

- ماده یا هیولا ، وجود بالقوه و ماده اولیه است که در اثر تغییر و تحول به فعلیت جدید می رسد.

- مانند تخم مرغ که ماده اولیه جوجه است ، یعنی تخم مرغ قوه و استعداد جوجه شدن را دارد یا یک سنگ مرمر که استعداد این را دارد که توسط یک مجسمه ساز به یک تندیس تبدیل شود.

3- علت صوری:

- علت صوری همان شکل و فعلیت جدید است که یک شیء بالقوه در مراحل تغییر بدست می آورد.

- در واقع علت مادی توسط علت فاعلی تبدیل به شیء جدید می شود و این شیء جدید ، صورتی است که ماده به خود گرفته است .

**رابطه بین علت صوری و علت مادی :**

* از دیدگاه ارسطو آنچه شدنی است ماده است و آنچه بودنی است صورت است.
* ماده و صورت همیشه با هم خواهند بود ، چون ماده در اثر تغییر و حرکت صورتی جدید می گیرد و آن صورت جدید ، ماده است برای صورت جدیدتر و به همین ترتیب صورتهای جدید خلق می شود و....
* **پس ماده و صورت اموری نسبی هستند یعنی یک چیز ممکن است در مقایسه با چیز ماده و قوه باشد و در مقایسه با یک چیز دیگر صورت باشد. مثلاً تخم مرغ نسبت به نطفه صورت است و نسبت به جوجه ماده است. و جوجه نسبت به تخم مرغ صورت و نسبت به مرغ ماده می باشد.**
* در حقیقت صورت همان فعلیت جدید است که ماده در سیر حرکت به خود می گیرد.

**طبیعت و علت صوری :**

* منظور از طبیعت یک جسم یک مبداء درونی است که باعث حرکت و سکون ( تغییر) در شیء می شود.
* ماده و صورت هر دو مفاهیم نسبی هستند.
* طبیعت هر جسم آن صورت نخستین است که جسم را به صورتی بالاتر پیش می برد.
* در حقیقت صورت همان طبیعت است آنگاه که آنرا به عنوان مبدأ حرکت و سکون در شیء در نظر بگیریم.
* مانند: طبیعت تخم مرغ که صورتی جدید است که آنرا به سمت جوجه شدن پیش می برد.

4- علت غایی:

- منظور از علت غایی آن است که کار برای آن انجام می شود( هدف اصلی انجام کار)

**- از دیدگاه ارسطو ، طبیعت هر چیزی ، ماده آنرا به سوی صورت و فعلیت جدید سوق می دهد و به همین ترتیب از صورتی به صورت جدیدتر ، تا به آخرین مرتبه کمالی که برای آن مقدور است برساند.**

- این میل طبیعی در درون هر چیزی وجود دارد . درست شبیه همان انگیزه و نیت که در ذهن انسان است عمل می کند.

- طبق نظر ارسطو کل جهان هستی هم رو به سوی مقصدی خاص در حرکت است.

- سراسر طبیعت سرشار از آینده نگری و نظم و ترتیب است و هر چیزی سر جای خود قرار گرفته تا به سوی کمال حرکت کند.

- **علت غایی در جهان طبیعت یک عامل آگاهانه و اصل سازمان دهنده است که برای همه موجودات نظم و هماهنگی و هدف داری را تأمین می کند**.

- از نظر ارسطو وظیفه یک فیلسوف آنست که به تفسیر جهان از افق علل اربعه بپردازد . به همین جهت او فلسفه را دانشی می داند که در باره علل اولیه هستی بحث می کند.